



تحلیل نشانه‌شناسی گفتمان خوشنویسی ایرانی در موزه‌های معاصر

سمر کلهر^۱

کارشناس ارشد ارتباط تصویری، دانشگاه سوره، تهران، ایران

نیلوفر درستی‌نادر علی

کارشناس ارشد ارتباط تصویری، دانشگاه سوره، تهران، ایران

 <https://doi.org/10.22034/ciom.2025.2059932.1041>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۷، تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۶/۰۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۳

نوع مقاله: پژوهشی، صص ۸۱-۶۴

چکیده

خوشنویسی، به‌عنوان یکی از ارکان بنیادین نظام بصری فرهنگ اسلامی، نه فقط هنرِ نوشتنِ زیبا بلکه ساختاری معناشناختی، هویتی و زیبایی‌شناختی است که در پیوندی عمیق با مفاهیم دینی، عرفانی و ادبی در بستر فرهنگ ایرانی شکل گرفته است. این هنر، در طول تاریخ، حامل دلالت‌های پیچیده‌ای بوده که میان نوشتار، معنا و تجربه‌های فرهنگی پلی ارتباطی برقرار کرده‌اند. اما در دوران معاصر، با انتقال خوشنویسی از بستر سنتی به فضای موزه‌ای، نظام بازنمایی آن دستخوش دگرگونی‌هایی اساسی شده است. در بسیاری از موزه‌ها، آثار خوشنویسی بدون ارجاع به زمینه‌های فرهنگی و معرفتی، به‌عنوان اشیایی تاریخی، تزئینی یا صرفاً زیباشناختی به نمایش درمی‌آیند. این شیوه بازنمایی، به شکل‌گیری گفتمانی تازه در باب خوشنویسی منجر شده است که لزوماً همسو با دلالت‌های بومی و اصیل آن نیست. موزه‌ها در این فرآیند تنها مکان‌هایی برای نمایش آثار هنری محسوب نمی‌شوند، بلکه به‌عنوان نهادهایی گفتمانی عمل کرده، در بازتولید معنا، هویت فرهنگی و



ساختن روایت‌های تازه از هنر سنتی ایفای نقش می‌کنند. این مسئله، ضرورت تحلیل نشانه‌شناختی بازنمایی موزه‌ای خوشنویسی را برجسته می‌سازد.

این پژوهش با بهره‌گیری از رویکرد نشانه‌شناسی گفتمانی و با ارجاع به نظریه رولان بارت، به تحلیل فرآیند دلالت‌سازی و تثبیت معنا در نحوه بازنمایی خوشنویسی ایرانی در موزه‌های معاصر می‌پردازد. پژوهش حاضر با این پرسش بنیادین آغاز می‌شود که نمایش موزه‌ای آثار خوشنویسی چگونه و از طریق چه فرآیندهای گفتمانی بازنمایی می‌شود و چه تأثیری بر ادراک فرهنگی و معنایی مخاطب برجای می‌گذارد. روش تحقیق کیفی است و داده‌ها از طریق تحلیل اسنادی و نشانه‌شناختی نمایش آثار در مجموعه‌هایی از هنر اسلامی گردآوری و تحلیل شده‌اند.

یافته‌ها نشان می‌دهند که نحوه بازنمایی خوشنویسی ایرانی در بسیاری از موزه‌های معاصر، به‌ویژه در بخش‌های مرتبط با هنر اسلامی، با فاصله‌گیری از زمینه‌های دینی، عرفانی و ادبی این هنر همراه بوده است. این آثار اغلب بدون زمینه‌بندی فرهنگی و معنایی، و صرفاً در قالب اشیایی زیباشناختی، تاریخی یا تزئینی در معرض دید قرار می‌گیرند. فرآیندهایی همچون «تاریخ‌زدایی»، «طبیعی‌سازی» و «معناسازی ثانویه» در قالب رمزگان غالب، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری این بازنمایی دارند؛ که این همان فرآیندی است که رولان بارت در تحلیل‌های خود از دلالت‌های ایدئولوژیک نشانه‌ها مورد توجه قرار داده است. به این ترتیب، خوشنویسی ایرانی از یک بیان فرهنگی-معرفتی به عنصری زیباشناختی و جهانی‌شده تغییر می‌یابد، و معانی بومی آن جای خود را به دلالت‌های سلطه‌گرانه و ایدئولوژیک می‌دهند. این وضعیت، ضرورت بازنگری در سیاست‌های نشانه‌ای و گفتمانی موزه‌ها را آشکار می‌سازد؛ تا از طریق بازپیوند آثار با بسترهای فرهنگی، هویتی و معرفتی، امکان بازیابی شأن معنایی خوشنویسی ایرانی فراهم آید.

واژگان کلیدی: خوشنویسی ایرانی، نشانه‌شناسی گفتمان، موزه معاصر، رولان بارت

مقدمه

در نظام‌های فرهنگی اسلامی، تصویر صرفاً وسیله‌ای برای بازنمایی واقعیت نیست، بلکه ساختاری نشانه‌ای و معناپرداز است که در لایه‌های مختلف، هویت، قدرت و ارزش‌های فرهنگی را تولید و تثبیت می‌کند. خوشنویسی ایرانی، به عنوان یکی از شاخص‌ترین جلوه‌های نظام بصری اسلامی، با مفاهیم دینی، عرفانی و ادبی پیوندی عمیق دارد و در طول تاریخ به یکی از عناصر بنیادین تولید معنا و هویت در فرهنگ ایرانی تبدیل شده است (نصر، ۱۳۹۴: ۱۱۷). این هنر با گذار از خطوط نسخ و ثلث و ابداع سبک‌های تعلیق، نستعلیق و شکسته‌نستعلیق، علاوه بر ایجاد فرم زیباشناختی منحصر به فرد، ارتباط عمیقی با ادبیات و عرفان برقرار کرده و به ویژه خط نستعلیق نقش تعیین‌کننده‌ای در تثبیت مرزهای فرهنگی و هویتی ایران ایفا کرده است (روان‌جو، ۱۳۹۷: ۵۴).

با گسترش خوشنویسی در فضای نمایشگاهی موزه‌های معاصر، نظام دلالتی این هنر دستخوش تحول شده است. آثار خوشنویسی اغلب از زمینه‌های معرفتی، تاریخی و دینی خود جدا شده و به اشیایی صرفاً تزئینی، فرمال یا فرهنگی تبدیل می‌شوند (دشتی زاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۶). این تغییر شرایط، سوالاتی اساسی درباره نقش خوشنویسی در تولید معنا و تجربه مخاطب برمی‌انگیزد؛ از جمله اینکه چگونه نمایشگاه‌های معاصر می‌توانند از طریق فرآیندهای نشانه‌ای، معانی تازه‌ای برای خوشنویسی خلق کنند و این بازنمایی چه تأثیری بر ادراک فرهنگی مخاطب دارد. پژوهش حاضر با رویکرد نشانه‌شناسی گفتمانی و بهره‌گیری از نظریه رولان بارت، در پی تحلیل نحوه دلالت‌سازی خوشنویسی ایرانی در نظام‌های نمایشی موزه‌های معاصر است و تمرکز اصلی آن بر چگونگی تولید معناهاى تازه و اثرگذاری آن بر تجربه مخاطب است.

پیشینه پژوهش

پیشینه نظری پژوهش را می‌توان در دو دسته کلی بررسی کرد:

۱. پژوهش‌های غربی

بخش مهمی از ادبیات غربی به تحلیل انتقادی نحوه بازنمایی هنر اسلامی در موزه‌های اروپایی و آمریکایی اختصاص یافته است. شابون^۱ (۲۰۰۷) با نگاهی پسااستعماری نشان می‌دهد که نمایش هنر خاورمیانه در موزه‌های غربی اغلب با رویکرد شرق‌شناسانه همراه بوده و زمینه‌های معرفتی و اجتماعی آن نادیده گرفته می‌شود. همچنین پرزیوزی و فاراگو^۲ (۲۰۰۴) موزه را نهادی ایدئولوژیک می‌دانند که با انتخاب و چیدمان آثار، روایت خاصی از فرهنگ «دیگری» می‌سازد. این پژوهش‌ها بیشتر بر نقد هژمونی فرهنگی و ساختارهای قدرت موزه‌های غربی تأکید دارند، اما کمتر وارد تحلیل نشانه‌شناسانه جزئیات آثار، به‌ویژه خوشنویسی ایرانی شده‌اند.

۲. پژوهش‌های داخلی

در ایران نیز تحقیقات گسترده‌ای به موضوع خوشنویسی و هنر اسلامی خوشنویسی و هنر اسلامی پرداخته‌اند. امامی (۱۴۰۰) خوشنویسی را جوهره هنر اسلامی دانسته و بر پیوند آن با معرفت دینی تأکید کرده است. دشتی‌زاده و همکاران (۱۳۹۵) با رویکرد نشانه‌شناختی، نقش موزه را در بازتولید معنا و شیوه‌های چیدمان و روایت‌پردازی بررسی کرده‌اند. قاسمی و همکاران (۱۴۰۱) نیز به تحلیل نشانه‌شناسی بصری آثار خوشنویسی در بستر معماری پرداخته‌اند. با این حال، این پژوهش‌ها غالباً



تحلیل نشانه‌شناسی
گفتمان خوشنویسی
ایرانی در موزه‌های
معاصر

1. Shabout

2. Preziosi & Farago

توصیفی باقی مانده‌اند و کمتر به سازوکارهای ایدئولوژیک و فرایندهای طبیعی‌سازی معنا در فضای موزه پرداخته‌اند.

مقایسه این دو جریان نشان می‌دهد که پژوهش‌های غربی عمدتاً بر نقد شرق‌شناسی و ایدئولوژی‌های موزه‌ای متمرکز بوده‌اند و پژوهش‌های داخلی نیز بیشتر به تحلیل محتوایی یا زیبایی‌شناختی خوشنویسی پرداخته‌اند. با این حال، هیچ‌کدام به‌طور مشخص بازنمایی خوشنویسی ایرانی در موزه‌های معاصر را با تکیه بر چارچوب نظری رولان بارت و سه سطح دلالت او بررسی نکرده‌اند. از این‌رو، پژوهش حاضر در پی پر کردن این خلأ است و می‌کوشد با تلفیق نشانه‌شناسی گفتمانی بارت و مطالعه موردی موزه‌ها، سازوکارهای معنایی بازنمایی خوشنویسی ایرانی را آشکار سازد.

۳. روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش با رویکردی کیفی و تفسیری، به تحلیل گفتمان بصری خوشنویسی ایرانی در موزه‌های معاصر می‌پردازد. چارچوب نظری تحقیق بر نشانه‌شناسی گفتمانی رولان بارت استوار است. داده‌ها از طریق تحلیل اسنادی و مشاهده بصری (مجازی) گردآوری شده‌اند. منابع مورد استفاده شامل کاتالوگ‌های نمایشگاهی، متن‌نگاشت‌ها، آرشیوهای دیجیتال، ویدئوهای رسمی، تصاویر چیدمان آثار و گزارش‌های منتشرشده از سوی پنج موزه معتبر بین‌المللی بوده است. نمونه‌ها به‌صورت هدفمند و مبتنی بر تنوع جغرافیایی، نوع اثر و دسترس‌پذیری مستندات تصویری و متنی انتخاب شده‌اند. تحلیل داده‌ها بر اساس الگوی سه‌سطحی بارت (دلالت آشکار، دلالت ضمنی و اسطوره‌سازی) انجام گرفت. در مواردی که تصاویر یا فیلم‌های مستقیم از چیدمان آثار در دسترس نبود، ارزیابی‌ها با تکیه بر منابع نمایشگاهی معتبر، کاتالوگ‌های آنلاین و مقالات تحلیلی موجود صورت پذیرفت. برای تقویت اعتبار داده‌ها، اطلاعات گردآوری‌شده از منابع تصویری و ویدئویی با اسناد مکتوب و گزارش‌های پژوهشی موجود مقایسه و هم‌سنجی شد. به این ترتیب، داده‌های پژوهش ترکیبی از شواهد بصری، اسنادی و دیجیتال بوده که امکان تحلیل گفتمان بصری را در بستر نمایشگاه‌های بین‌المللی فراهم آورده است.

۳. چارچوب نظری

نشانه‌شناسی از نیمه قرن بیستم با عبور از ساختارگرایی کلاسیک به سمت رویکردهای فرهنگی و گفتمانی تحول یافت. در این میان، رولان بارت با کتاب اسطوره‌شناسی‌ها (Barthes, 1972) جایگاه برجسته‌ای در نشانه‌شناسی انتقادی پیدا کرد. بارت نشانه را نه صرفاً حامل معنا، بلکه سازوکاری گفتمانی می‌داند که در بستر فرهنگ و قدرت، معنا را تولید و بازتولید می‌کند (عباسی، ۱۳۹۰: ۴۵). نظریه رولان بارت از مهم‌ترین پایه‌های این نگاه به نشانه است. او نشانه را در دو سطح دلالتی بررسی می‌کند:





۱. دلالت آشکار^۱، معنای سطحی و مستقیم نشانه که عموماً قابل مشاهده و توصیف است.
۲. دلالت ضمنی^۲، به معناهای فرهنگی، ارزشی و تاریخی اطلاق می‌شود که در بطن نشانه حضور دارد (معین، ۱۳۹۸: ۷۱).

وی فراتر از این دو سطح، از فرآیندی به نام اسطوره‌سازی^۳ سخن می‌گوید؛ که در آن، معناهای ضمنی چنان تثبیت می‌شوند که به صورت معناهایی بدیهی، طبیعی و جهانی جلوه می‌کنند. به تعبیر بارت، ابزاری برای تثبیت ایدئولوژی در متون روزمره است (Barthes, 1972: 117). برخلاف برداشت‌های نادرست، اسطوره‌سازی سطح سوم دلالت نیست، بلکه سازوکاری معنایی در دل دلالت ضمنی است که از طریق طبیعی‌سازی، معناهای خاص را جهان‌شمول و بی‌طرف بازنمایی می‌کند. در واقع اسطوره در نگاه بارت صرفاً افسانه نیست، بلکه سازوکاری فرهنگی است که در بازتولید و تثبیت گفتمان‌ها نقش محوری ایفا می‌کند (شرف‌الدین و همکاران، ۱۴۰۰: ۸). بر این اساس، این سه سطح دلالتی ابزار اصلی این پژوهش محسوب می‌شوند و مبنای تحلیل نمایش خوشنویسی در موزه‌های معاصر قرار می‌گیرند. از این منظر، چارچوب نظری بارت به پژوهشگر امکان می‌دهد نه تنها ظاهر آثار خوشنویسی را ببیند، بلکه لایه‌های پنهان معنایی و ایدئولوژیک آن‌ها را در فضای موزه‌های معاصر آشکار سازد (شعیری، ۱۳۹۴: ۱۱۵). بدین ترتیب، نظریه بارت نه تنها چارچوبی برای واکاوی نظام‌های نشانه‌ای فراهم می‌کند، بلکه در پیوند با رویکرد نشانه‌شناسی گفتمانی، امکان تحلیل سازوکارهای معنایی در بستر موزه‌های معاصر را نیز مهیا می‌سازد.

۴. نشانه‌شناسی گفتمانی

نشانه‌شناسی گفتمانی به عنوان شاخه‌ای تحول‌یافته از نشانه‌شناسی، تمرکز خود را از ساختار درونی متن به زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و نهادی تولید معنا معطوف کرده است (دادخواه و عابدین‌زاده، ۱۴۰۲: ۹۹). در این رویکرد، معنا در خلأ تولید نمی‌شود، بلکه در پیوند با میدان‌های قدرت، بافت اجتماعی و روایت‌های فرهنگی شکل می‌گیرد. از این منظر، تصویر، نوشتار و نمایش صرفاً رسانه نیستند، بلکه سازوکارهایی‌اند برای تثبیت نظم‌های معنایی مسلط (شعیری، ۱۳۸۸: ۴۸). بدین ترتیب، معنا نه محصول ذاتی نشانه، بلکه حاصل تعامل آن با رمزگان‌های فرهنگی، روایت‌های مسلط و سازوکارهای نهادی است (اطهاری، ۱۳۹۷: ۶۲).

موزه‌ها در این چارچوب، صرفاً محل نگهداری و نمایش آثار نیستند، بلکه به مثابه نهادهای گفتمانی عمل می‌کنند که تولیدکننده و بازتولیدکننده معناهای فرهنگی و هویتی‌اند. این فرآیند از طریق عناصری چون چیدمان آثار، شیوه برچسب‌گذاری، روایت‌پردازی متنی و حتی نورپردازی صورت می‌گیرد و بر

1. Denotation
2. Connotation
3. Mythification



ادراک مخاطب تأثیر مستقیم می‌گذارد. به عنوان نمونه، نمایش خوشنویسی ایرانی در موزه‌های معاصر اغلب با جدا شدن از بستر معرفتی و دینی خود همراه است و در قالب اشیاء زیباشناختی یا نمادهای میراث جهانی بازنمایی می‌شود. این فرآیند به تعبیر بارت، نوعی طبیعی‌سازی معنا است؛ به این معنا که ارزش‌های فرهنگی و تاریخی خوشنویسی به گونه‌ای ارائه می‌شوند که همچون حقیقتی جهان‌شمول و فراتاریخی جلوه کنند (Barthes, 1972: 119).

کاربست رویکرد نشانه‌شناسی گفتمانی به ما امکان می‌دهد سازوکارهای پنهان موزه‌ها در بازتولید معنا را آشکار کنیم؛ اینکه چگونه نظام نمایشی موزه، برخی معناها را برجسته کرده و در مقابل، لایه‌های دیگر را به حاشیه می‌راند یا حذف می‌کند. از این منظر، بازنمایی خوشنویسی در موزه‌های معاصر نه صرفاً یک عمل زیبایی‌شناختی، بلکه بخشی از فرآیند گسترده‌تر بازتعریف فرهنگی و ایدئولوژیک است (امانی و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۷).

۵. خوشنویسی و موزه

خوشنویسی در فرهنگ ایرانی-اسلامی، همواره جایگاهی فراتر از یک هنر تزئینی داشته و به مثابه‌ی رسانه‌ای برای تجلی کلام وحی، مفاهیم عرفانی و معناهای قدسی تلقی می‌شده است. به‌ویژه در سبک نستعلیق، این هنر در پیوند با زبان فارسی، درونی‌ترین لایه‌های تفکر فرهنگی ایرانی را صورت‌بندی کرده است (فدایی و موسوی لر ۱۴۰۰: ۳). با انتقال این هنر به بسترهای نمایشگاهی، از جمله موزه‌های معاصر، نوعی دگرگونی در نظام دلالت آن رخ داده است. این انتقال صرفاً فیزیکی نیست، بلکه معرفتی و نشانه‌شناختی نیز است؛ چرا که خوشنویسی در این بسترها عمدتاً بدون زمینه‌های دینی و ادبی، در قالب ابژه‌ای زیبایی‌شناختی یا نمادین به نمایش درمی‌آید (قاسمی و همکاران، ۱۴۰۱: ۵۱۰). موزه، به عنوان یک نهاد گفتمانی، نه تنها عرصه‌ی ارائه آثار، بلکه عامل مؤثر در تولید و تثبیت معناست. سازوکارهایی چون انتخاب گزینشی آثار، نحوه‌ی چیدمان، روایت‌سازی، نورپردازی و برچسب‌گذاری، در بازتولید معنای فرهنگی نقش ایفا می‌کنند (شکل ۱).

در این مسیر، خوشنویسی ایرانی گاه از لایه‌های مفهومی و تاریخی خود جدا شده و با برجسته‌سازی فرم، به نماد کلیشه‌ای «هنر شرق» یا «سنت زیبا» فروکاسته می‌شود (ظریف و ایزانلو، ۱۴۰۳: ۳۰). مطالعات نشانه‌شناختی تأکید دارند که چنین بازنمایی‌هایی، در چارچوب گفتمان مدرن موزه، با فرآیندهایی مانند تاریخ‌زدایی، طبیعی‌سازی و اسطوره‌سازی پیوند خورده‌اند؛ به گونه‌ای که دلالت‌های زمینه‌دار خوشنویسی جای خود را به دلالت‌های تثبیت‌شده و جهان‌شمول می‌دهند. کالابی‌سازی فرهنگی خوشنویسی و تقلیل آن به سطح مصرف زیبایی‌شناختی، از جمله پیامدهای گفتمان نمایشی معاصر در مواجهه با هنر اسلامی است (قاسمی و همکاران، ۱۴۰۱: ۵۱۵).



■ تصویر ۱: خوشنویسی عمادالکتاب سیفی قزوینی در نمایشگاه رخ دوست، موزه خوشنویسی ایران، منبع: (www.borna.news.ir)

۶. یافته‌های تجربی

بررسی بازنمایی خوشنویسی ایرانی در موزه‌های معاصر، بدون اتکا به نمونه‌های عینی و تجربه‌های نمایشگاهی، ناقص خواهد بود. اگرچه کاتالوگ‌ها و اسناد آرشیوی منابع مهمی به شمار می‌آیند، اما تحلیل گفتمانی زمانی عمق بیشتری می‌یابد که با مطالعه مستقیم نمایشگاه‌ها، گزارش‌های مطبوعاتی، نقدهای تخصصی و حتی اسناد طراحی نمایش همراه شود. از این منظر، نمایشگاه‌های برگزارشده در موزه‌های معتبر جهان، نه تنها فضای عرضه خوشنویسی ایرانی را شکل داده‌اند، بلکه به عنوان متونی گفتمانی عمل کرده‌اند که معناهای تازه‌ای برای این هنر تولید و تثبیت می‌کنند. مرور و تحلیل این نمایشگاه‌ها می‌تواند نشان دهد که خوشنویسی ایرانی چگونه در سطح جهانی بازنمایی می‌شود، چه لایه‌هایی از معنا برجسته یا کمرنگ می‌شوند و چه روندی از «زیبایی‌شناختی‌سازی» یا «تاریخ‌زدایی» در این بازنمایی‌ها رخ می‌دهد. بر همین اساس، در ادامه به بررسی چند نمونه شاخص از این نمایشگاه‌ها پرداخته می‌شود تا سازوکارهای نشانه‌ای و گفتمانی آن‌ها آشکار گردد.

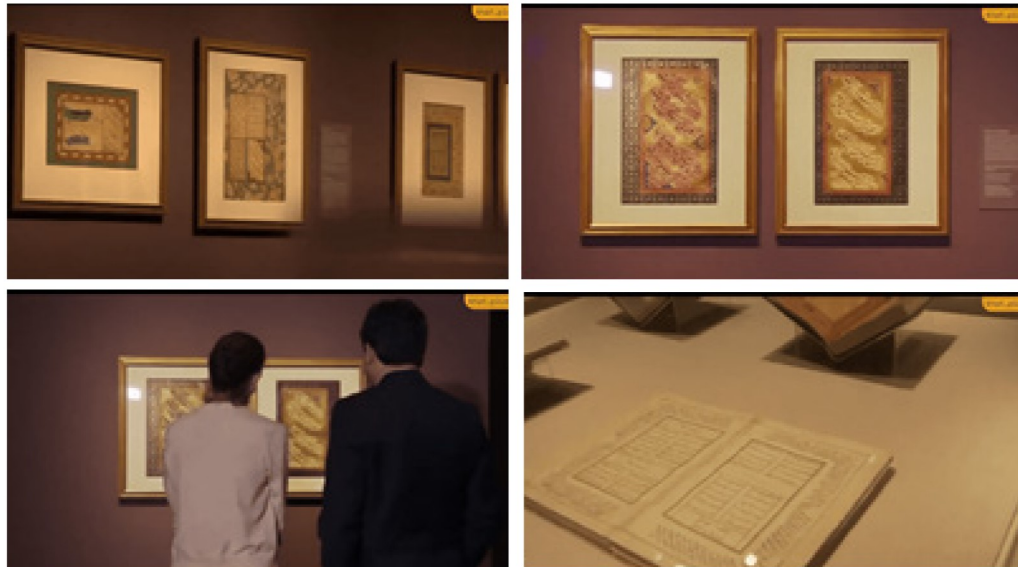
نمایشگاه «نستعلیق: نبوغ خوشنویسی ایرانی»^۱ (۲۰۱۴-۲۰۱۵) که در گالری فریر و سکلر موزه اسمیتسونین برگزار شد، نقطه عطفی در معرفی خوشنویسی ایرانی به شمار می‌آید. این نمایشگاه برای نخستین بار به طور ویژه بر خط نستعلیق متمرکز بود و بیش از بیست اثر از استادانی چون میرعلی تبریزی و میرعماد حسنی را به نمایش گذاشت (Smithsonian Institution, 2014). (شکل ۲). اهمیت این رویداد در آن بود که نستعلیق نه فقط به عنوان یک خط زیباشناختی، بلکه به عنوان بخشی از هویت



تحلیل نشانه‌شناسی
گفتمان خوشنویسی
ایرانی در موزه‌های
معاصر

1. Smithsonian Freer & Sackler Galleries Museum- Nasta'liq: The Genius of Persian Calligraphy

بصری ایران در سطح جهانی برجسته شد. روایت‌های ارائه‌شده در این نمایشگاه، خوشنویسی ایرانی را در پیوند با فرهنگ و تاریخ ملی ایران بازنمایی کردند و امکان مواجهه مخاطب غیرایرانی با جنبه‌های هویتی و نمادین این هنر را فراهم ساختند (Freer|Sackler, 2014). در کنار این نمایشگاه، فیلم مستند «سماع قلم»^۱ نیز با مرور تاریخی نستعلیق و بازتاب دیدگاه هنرمندان و کیوریتورها، داده‌های ارزشمندی برای درک رابطه میان خط، زیبایی‌شناسی و هویت فرهنگی ارائه داد (Biggs-Chiropolos, 2014).



■ تصویر ۲: نمایشگاه نستعلیق: نبوغ خوشنویسی ایرانی ب، گالری فریر و سکلر موزه اسمیتسونین، منبع (https://www.aparat.com)

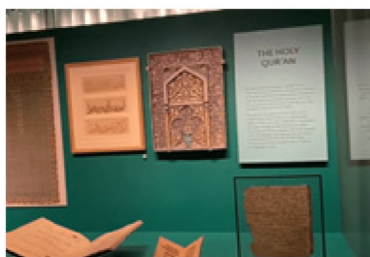
نمونه دیگری از این رویکرد را می‌توان در نمایشگاه «ایران حماسی»^۲ (۲۰۲۱) در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن مشاهده کرد. این نمایشگاه با گردآوری بیش از ۳۰۰ اثر تاریخی و هنری، روایت گسترده‌ای از پنج‌هزار سال تاریخ ایران را به مخاطبان جهانی عرضه کرد. طراحی نمایشگاه به گونه‌ای بود که بخش‌های مختلف آن همچون اجزای یک شهر، تداوم و انسجام روایی ایجاد می‌کرد و مخاطب را در تجربه‌ای فراگیر غوطه‌ور می‌ساخت. با وجود این، تراکم بالای آثار و روایت‌های متعدد، در برخی موارد باعث دشواری تمرکز مخاطب می‌شد. در مجموع، نقدها و تحلیل‌های ارائه‌شده درباره این نمایشگاه بر دو نکته تأکید داشتند: نخست موفقیت آن در روایت هماهنگ تاریخ و فرهنگ ایران (Apollo Maga-zine, 2021) و دوم، خطر تقلیل آثار به‌ویژه خوشنویسی به اشیایی زیباشناختی و تزئینی که از زمینه‌های معرفتی و دینی خود جدا می‌شوند (Jones, 2021; Sooke, 2021)؛ (شکل ۳).

۱. برای مشاهده ویدیو از منظری بصری می‌توان به این لینک مراجعه کرد: <https://share.google/y5N0UY0IIX2F7URhg>

2. Victoria and Albert Museum-Epic Iran

علاوه بر رویدادهای شاخص، بررسی دیگر فضاهای موزه‌ای نیز نشان می‌دهد که خوشنویسی ایرانی غالباً با تأکید بر جنبه‌های تزئینی و بصری بازنمایی شده است. در گالری هنر اسلامی موزه بریتانیا^۱، آثار خوشنویسی در کنار اشیای تزئینی و معماری قرار گرفته‌اند و بیشتر به‌عنوان بخشی از یک مجموعه تزئینی معرفی می‌شوند تا حامل لایه‌های معرفتی یا معنوی باشند (The British Museum, n.d). چنین چینی موجب می‌شود که خوشنویسی، به‌جای بازتاب هویت فرهنگی و دینی خود، به سطحی صرفاً زیباشناختی فروکاسته شود. نمونه مشابه را می‌توان در نمایشگاه «کلمه تزئین شده» در موزه متروپولیتن^۲ نیویورک مشاهده کرد (The Metropolitan Museum of Art, 2019). این نمایشگاه، هرچند با ارائه گسترده نسخه‌های خطی و قطعات خوشنویسی همراه بود، اما بیشتر بر جنبه ساختاری و تصویری خط تمرکز داشت. خوشنویسی در این رویداد نه به‌مثابه متنی حامل معنا، بلکه به‌عنوان نشانه‌های بصری و عناصر هنری معرفی شد که در تعامل با تذهیب و طراحی تزئینی معنا می‌یابند.

در بخش هنر اسلامی موزه لوور پاریس^۳ نیز خوشنویسی ایرانی در قالب اشیای تزئینی و کاربردی به نمایش گذاشته شده است. این رویکرد بر جلوه‌های بصری و زیبایی‌شناختی خط تأکید می‌کند و محتوای معرفتی یا دینی آن را به حاشیه می‌راند (Louvre Museum, n.d). در نتیجه، خوشنویسی بیش از آنکه به‌عنوان زبان فرهنگ و اندیشه معرفی شود، در چارچوبی تزئینی و جهان‌شمول بازنمایی می‌شود. بنابراین، مرور این نمایشگاه‌ها نشان می‌دهد که بازنمایی خوشنویسی ایرانی در موزه‌های معاصر، از یک‌سو به برجسته‌سازی جایگاه جهانی این هنر کمک کرده و از سوی دیگر، آن را در معرض خطر تقلیل به سطحی تزئینی قرار داده است. این دوگانه (هویت فرهنگی-زیبایی‌شناسی صرف) کلید فهم سازوکارهای گفتمانی بازنمایی در سطح بین‌المللی است.



■ تصویر ۳: نمایشگاه ایران حماسی، موزه ویکتوریا و آلبرت، منبع (www.youtube.com)



1. The British Museum
2. The Metropolitan Museum of Art- The Decorated Word
3. Louvre Museum



تحلیل نشانه‌شناسی
گفتمان خوشنویسی
ایرانی در موزه‌های
معاصر

۷. تحلیل گفتمانی بازنمایی خوشنویسی ایرانی در موزه‌های معاصر

تحلیل نمونه‌هایی از نمایش خوشنویسی در موزه‌های معاصر نشان می‌دهد که آثار اغلب به شکل صفحات منفصل، قاب‌بندی شده و بدون ارجاع، به عنوان اشیایی مستقل از بافت مفهومی خود ارائه می‌شوند. در سطح دلالت آشکار، تمرکز اصلی بر ویژگی‌های بصری، سبک خوشنویسی و تکنیک‌های اجرایی است. اما در این نمایش‌ها، نشانی از ارجاعات دینی، عرفانی یا ادبی که همواره در بطن خوشنویسی ایرانی حضور داشته، به چشم نمی‌خورد. در سطح دلالت ضمنی، آثار خطی به عنوان نماینده زیبایی شرقی، نبوغ فردی یا زبان بصری بومی معرفی می‌شوند؛ معنایی که در ظاهر بی‌طرف هستند، اما در واقع از سازوکارهایی گفتمانی تبعیت کرده و در راستای تثبیت روایت‌های خاص از هنر اسلامی در نهادهای جهانی عمل می‌کنند.

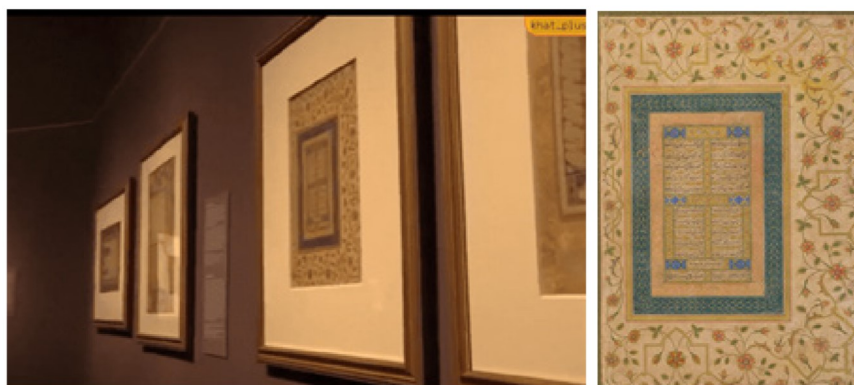
آنچه در ظاهر به عنوان زیبایی‌شناسی ارائه می‌شود، در سطح عمیق‌تر، حاصل روندی مانند تاریخ‌زدایی، طبیعی‌سازی معنا و اسطوره‌سازی فرهنگی است. فرآیندهایی که بارت آن‌ها را در خدمت بازتولید گفتمان مسلط و تثبیت ایدئولوژی در متون فرهنگی می‌داند (بارت، ۱۴۰۰: ۳۲-۲۵). در این الگو، خوشنویسی ایرانی از موقعیت خود به عنوان رسانه‌ای معناپرداز خارج شده و به ابژه‌ای بصری، تزئینی و بی‌زمینه بدل می‌گردد؛ امری که نه تنها معنای هنر خط را تقلیل می‌دهد، بلکه نشان‌دهنده نوعی گفتمان سلطه در فضای نمایشگاهی است. که نمونه‌هایی از این بازنمایی را در پنج موزه بین‌المللی با استفاده از سه سطح دلالت بارت، تحلیل گفتمانی شده است:

۱. **موزه فریر و سکلر، نمایشگاه نبوغ خط فارسی:** یکی از شاخص‌ترین آثار این نمایشگاه، صفحه‌ای از آلبوم شاه‌جهان با امضای میرعلی هروی است که حدود سال‌های ۱۵۲۵-۱۵۴۵ میلادی خلق شده و در قاب جداگانه به نمایش درآمده است. اطلاعات ارائه‌شده در کنار اثر تنها به نام خوشنویس، تاریخ نگارش و سبک اجرای خط نستعلیق محدود می‌شود و هیچ توضیحی درباره مضمون متن، زمینه تاریخی یا پیام عرفانی آن ارائه نشده است (شکل ۴).

تحلیل دلالت‌ها:

- **دلالت آشکار:** معرفی تکنیک‌ها، مواد و سبک نوشتاری.
- **دلالت ضمنی:** خوشنویسی به «طراحی سنتی برای مصرف» تقلیل یافته و بیشتر به کارکرد تزئینی و تجاری توجه دارد.
- این نمایشگاه نمونه‌ای از «تجاری‌سازی فرهنگی» و حذف ارجاع متنی است؛ چرا که هنر خط از متن فرهنگی و معنایی خود جدا شده و صرفاً به کالایی زیبایی‌شناختی تبدیل می‌شود (همان: ۳۰). این تأکید بر فرم و تزئین، بُعد معنایی و فرهنگی خوشنویسی را به حاشیه می‌راند و هنر خط را در چارچوب بصری مصرف‌پذیر جای می‌دهد.





■ تصویر ۴: نمایشگاه نستعلیق: نبوغ خوشنویسی ایرانی به همراه صفحه‌ای از آلبوم شاه‌جهان با امضای میرعلی هروی، گالری فریر و سکس، موزه اسمیتسونین، منبع (www.aparat.com) (www.archive.asia.si.edu)

۲. موزه بریتانیا، گالری هنر اسلامی:

در گالری هنر اسلامی موزه بریتانیا، خطوط نسخ و ثلث بر روی پارچه‌ها، کتیبه‌ها و نسخه‌های قرآن قاب شده به نمایش درآمده‌اند. اطلاعات همراه آثار چیزی فراتر از معرفی سبک یا دوران ارائه نشده، و شاهد حذف زمینه‌های معنایی یا تاریخی متون خوشنویسی هستیم.

تحلیل دلالت‌ها:

- **دலالت آشکار:** تاکید بر شاخص‌های صوری خوشنویسی و مهارت اجرای آن.
- **دலالت ضمنی:** خوشنویسی به «تزیین شرقی جهان شمول» تبدیل شده است؛ این رویکرد خطوط را از دل متن فرهنگی و معنوی جدا کرده و به یک عنصر جهانی بصری بدل می‌سازد.
- این‌گونه نمایش، نمونه‌ای از «طبیعی‌سازی معنا» و «زیبایی‌زدایی معنوی» است که خوشنویسی را به سطح بصری زیبایی محدود می‌کند و نقش رسانه‌ای فرهنگ و معنویت آن را نادیده می‌گیرد (همان: ۲۷).
- خوشنویسی بیشتر به صورت تزئینی ارائه می‌شود و محتوای معنایی و معنوی آن به حاشیه رانده می‌شود.

۳. **موزه متروپولیتن، نمایشگاه کلمه تزیین شده:** یکی از بخش‌های مهم نمایشگاه، خوشنویسی‌هایی است که بر روی اشیای کاربردی مانند سفال، پارچه و کتاب‌ها ارائه شده‌اند. در توضیحات همراه آثار، اطلاعات بیشتر بر تکنیک‌ها، مواد و سبک نوشتاری متمرکز است و نشانی از ارجاع به محتوای ادبی یا معنوی در کار نیست (شکل ۵).

تحلیل دلالت‌ها:

- **دலالت آشکار:** معرفی تکنیک‌ها، مواد و سبک نوشتاری.
- **دலالت ضمنی:** خوشنویسی به «طراحی سنتی برای مصرف» تقلیل یافته و بیشتر به کارکرد تزئینی و تجاری توجه دارد.



تحلیل نشانه‌شناسی
گفتمان خوشنویسی
ایرانی در موزه‌های
معاصر



■ تصویر ۵: نمایشگاه کلمه تزئین شده، موزه متروپولیتن، منبع (www.nyctourism.com)

• این نمایشگاه نمونه‌ای از «تجاری‌سازی فرهنگی» و حذف ارجاع متنی است؛ چرا که هنر خط از متن فرهنگی و معنایی خود جدا شده و صرفاً به کالایی زیبایی‌شناختی تبدیل می‌شود (همان: ۳۰). این تأکید بر فرم و تزئین، بُعد معنایی و فرهنگی خوشنویسی را به حاشیه می‌راند و هنر خط را در چارچوب بصری مصرف‌پذیر جای می‌دهد.

۴. **موزه لوور، بخش هنر اسلامی:** در این بخش، قرآن‌ها و اشعار فارسی در ویترین‌های شیشه‌ای به نمایش درآمده‌اند. توضیحات همراه آثار بیشتر بر معرفی نسخه‌های خطی و ارائه اطلاعات تاریخی متمرکز است و هیچ اشاره‌ای به زمینه‌های عرفانی و ادبی متون نمی‌شود. تحلیل دلالت‌ها:

- **دلالت آشکار:** معرفی نسخه‌های خطی و ارائه توضیحات تاریخی.
- **دلالت ضمنی:** خوشنویسی به «میراث بی‌جان و مادی» تبدیل شده است؛ چرا که پیوندهای معنوی و عرفانی آثار حذف شده‌اند.
- نمونه‌ای از «شیء‌سازی فرهنگی» و «تاریخ‌زدایی دلالت دینی» است و نشان می‌دهد که خوشنویسی از جایگاه رسانه‌ای برای انتقال معنا به ابژه‌ای تزئینی و موزه‌ای بدل شده است (همان: ۲۹).

۵. **موزه ویکتوریا و آلبرت، نمایشگاه ایران حماسی:** یکی از نمونه‌های برجسته این نمایشگاه، طراحی فضایی آن است که با الهام از ساختارهایی همچون دروازه، باغ، کتابخانه و مسجد، بازدیدکننده را در یک روایت بصری و معماری غوطه‌ور می‌کند. در این فضا خوشنویسی در کنار مینیاتورها و سایر اشیای هنری ارائه شده است، اما اطلاعات تفسیری درباره محتوای متون و زمینه‌های دینی یا عرفانی آن‌ها ارائه نمی‌شود.

تحلیل دلالت‌ها:

- **دلالت آشکار:** ترکیب نمایش خط و نگارگری و تأکید بر زیبایی‌های بصری.

- **دلالت ضمنی:** خوشنویسی به «نماد هویت ملی» و «میراث مادی ایرانی» تبدیل می‌شود، در حالی که ابعاد معنوی و عرفانی آن کمرنگ یا حذف شده‌اند.
- این نمونه نشان‌دهنده روند «ملی‌سازی معنا» و «طبیعی‌سازی هویت‌محور» است که خوشنویسی را به ابزاری برای تثبیت روایت‌های فرهنگی-ملی تبدیل می‌کند و نه رسانه‌ای برای انتقال معناهای عرفانی یا ادبی.

این روند در کلیت نمایشگاه نیز مشاهده می‌شود؛ خط در کنار مینیاتورها و سایر اشیای هنری ارائه شده است (شکل ۶)، بدون آنکه توضیح کافی درباره محتوای متون ارائه شود. دلالت آشکار ترکیبی از نمایش خط و نگارگری است، اما دلالت ضمنی خوشنویسی را به «نماد هویت ملی» تبدیل کرده و زمینه‌های معنایی، عرفانی و ادبی آن حذف شده است؛ امری که نمونه‌ای از ملی‌سازی معنا و طبیعی‌سازی هویت‌محور است و نشان می‌دهد که خوشنویسی به ابزاری برای تثبیت روایت هویت ایرانی بدل شده است، نه رسانه‌ای برای انتقال معناهای فرهنگی و معنوی (همان: ۳۲).



■ تصویر ۶: نمایش خط در کنار مینیاتور در نمایشگاه حماسه ایران، موزه ویکتوریا و آلبرت لندن، منبع (www.youtube.com)



جدول ۱- تحلیل گفتمانی خوشنویسی در موزه‌های معاصر، منبع (نگارندگان)

ردیف	موزه / نمایشگاه	دلالت آشکار	دلالت ضمنی	سازوکار گفتمانی / ایدئولوژیک
۱	موزه فریر و سکلر، آمریکا نمایشگاه نبوغ خط فارسی	صفحات نستعلیق قاب‌شده، اطلاعات سبک و تاریخ اثر، معرفی میرعلی تبریزی، سلطان علی مشهدی، میرعماد منبع: (www.archive.asia.si.edu)	خوشنویسی - نبوغ فردی، زیبایی خالص شرقی، بدون پیوند با معناهای عرفانی و ادبی	اسطوره‌سازی فرهنگی، تاریخ‌زدایی معنوی
۲	موزه بریتانیا، لندن گالری هنر اسلامی	خطوط نسخ و ثلث بدون بافت توضیحی، تأکید بر تزئینات منبع: (www.britishmuseum.org)	خوشنویسی - تزئین شرقی جهان‌شمول، فاقد زمینه تاریخی و معنایی	طبیعی‌سازی معنا، زیبایی‌زدایی معنوی
۳	موزه متروپولیتن، نیویورک نمایشگاه کلمه تزئین‌شده	خوشنویسی روی سفال، پارچه؛ توضیح تکنیکی منبع: (www.metmuseum.org)	خوشنویسی - طراحی سنتی برای مصرف، کارکرد تزئینی و تجاری	تجاری‌سازی فرهنگی، حذف ارجاع متنی
۴	موزه لوور، پاریس بخش هنر اسلامی	قرآن‌ها و اشعار در ویرین شیشه‌ای، بدون تحلیل محتوایی منبع: (www.louvre.fr)	خوشنویسی - میراث بی‌جان و مادی، بدون پیوند معنوی	شی‌سازی فرهنگی، تاریخ‌زدایی از دلالت دینی
۵	موزه ویکتوریا و آلبرت، لندن نمایشگاه ایران حماسی	خط در کنار مینیاتورها، بدون توضیح محتوایی منبع: (www.vam.ac.uk)	خوشنویسی - نماد هویت ملی بدون زمینه	ملی‌سازی معنا، طبیعی‌سازی هویت‌محور



همان‌گونه که (جدول ۱) نشان می‌دهد، الگوی مسلط بر نمایش خوشنویسی در موزه‌های معاصر مبتنی بر تقلیل لایه‌های معنایی به سود گفتمان‌های غالب جهانی است. از خلال سازوکارهایی مانند تاریخ‌زدایی، طبیعی‌سازی و اسطوره‌سازی، خوشنویسی از یک هنر معناپرداز و فرهنگی، به عنصری تزئینی، فرم‌محور و قابل مصرف برای مخاطب غیرایرانی تبدیل شده است. این تغییر نشانه‌ای از فرآیند سلطه‌ی نشانه‌ای در نهادهای نمایش هنر و بازتولید نوعی «دیگری فرهنگی» از هنر اسلامی است؛ همان‌گونه که بارت در تحلیل‌های خود، اسطوره‌سازی فرهنگی را به مثابه سازوکار تثبیت گفتمان مسلط معرفی می‌کند (شعیری، ۱۴۰۰: ۵۲-۳۳).

نتیجه گیری

پژوهش حاضر با اتکا به چارچوب نشانه‌شناسی گفتمانی رولان بارت نشان داد که بازنمایی خوشنویسی ایرانی در موزه‌های معاصر، فرآیندی خنثی و صرفاً زیبایی‌شناختی نیست، بلکه امری معناپرداز و ایدئولوژیک است که در بستر نظام‌های نمایشی شکل می‌گیرد. یافته‌های حاصل از تحلیل پنج موزه بین‌المللی دلالت می‌کند که آثار خوشنویسی عمدتاً به صورت ابژه‌هایی تزینی، زیباشناختی یا نمادهای ملی عرضه می‌شوند، در حالی که زمینه‌های معرفتی، دینی و ادبی آن‌ها حذف یا تضعیف می‌گردد. در چارچوب نظریه بارت، این دگردیسی معنایی از طریق فرآیندهایی مانند «تاریخ‌زدایی» (حذف بستر فرهنگی و تاریخی)، «طبیعی‌سازی معنا» (تثبیت مفاهیم به عنوان بدیهی و جهانی) و «اسطوره‌سازی فرهنگی» (نمایش خوشنویسی به عنوان نماد شرق یا میراث جهانی) تحقق می‌یابد. این شیوه بازنمایی سبب می‌شود که مخاطب خوشنویسی را نه به مثابه نظامی معنابخش، بلکه به عنوان شیئی زیباشناختی و بی‌زمینه درک کند. استمرار این الگو در موزه‌ها، به بازتولید معناهای سطحی و هم‌راستا با گفتمان جهانی هنر معاصر منجر می‌شود. در این میان، موزه‌ها نه صرفاً به عنوان نهادهای نمایش‌دهنده، بلکه به مثابه کنشگران فعال در بازتعریف جایگاه هنر اسلامی و تولید گفتمان فرهنگی عمل می‌کنند. بر این اساس، ضرورت بازاندیشی در سیاست‌های موزه‌ای بیش از پیش آشکار است. برای دستیابی به رویکردی زمینه‌محور و جلوگیری از تقلیل خوشنویسی به عنصر صرفاً تزینی، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

- طراحی نمایش‌های زمینه‌محور: ارائه آثار همراه با پیوندشان به متون دینی، عرفانی و ادبی برای برجسته کردن کارکرد معرفتی خوشنویسی.
- افزودن توضیحات چندلایه با ابزار دیجیتال: به کارگیری کد QR، رسانه‌های تعاملی و توضیحات تفسیری چندسطحی برای ارائه اطلاعات تاریخی، معنایی و کاربردی در کنار آثار.
- چیدمان تعاملی و کارگاه‌های تجربه‌محور: ایجاد فضاهایی که بازدیدکنندگان بتوانند فرآیند نوشتن خط را تجربه کنند و با معنای آن ارتباط بگیرند.
- همکاری با خوشنویسان معاصر: برگزاری نمایش‌های مشترک و کارگاه‌ها برای ایجاد پیوند میان سنت خوشنویسی و هنر امروز.
- بازنگری در سیاست‌های موزه‌ای: پرهیز از کالایی‌سازی صرف و تقلیل آثار به اشیاء تزینی از طریق بازتعریف معیارهای نمایش.

اجرای این پیشنهادها می‌تواند زمینه‌ای برای بازگشت خوشنویسی به جایگاه اصیل خود به عنوان نظامی معنابخش فراهم آورد و تصویری کامل‌تر و فرهنگی‌تر از این هنر در ذهن مخاطب بسازد. همچنین تعمیم این رویکرد به دیگر شاخه‌های هنر اسلامی، امکان نقد روایت‌های غالب جهانی درباره هنر خاورمیانه و آشکارسازی سازوکارهای پنهان قدرت و معنا در فضای هنر معاصر را فراهم می‌سازد.



۱. اطهری، مرضیه (۱۳۹۷). "نشانه‌شناسی فرهنگ، هنر و ادبیات"، تهران: خاموش.
۲. امامی، حجت؛ بلخاری قهی، حسن؛ جباری، صداقت (۱۴۰۰). "تغییر معنا در گفتمان خوشنویسی ایران معاصر از دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی"، هنر و تمدن شرق، دوره ۹، شماره ۳۱، صص ۵۱-۶۲.
۳. بارت، رولان (۱۴۰۰). "اسطوره‌شناسی‌ها"، ترجمه پیام یزدانجو، نشر مرکز، تهران.
۴. عابدین زاده، حانیه؛ دادخواه، پژمان (۱۴۰۲). "خوانش نشانه‌شناسانه عکس‌های دیان آرس در پرتو آرای رولان بارت"، مطالعات عالی هنر، شماره ۳، صص ۹۷-۱۱۳.
۵. دشتی‌زاده، مریم؛ جوانی، اصغر؛ سجودی، فرزانه (۱۳۹۵). "واکاوی تغییرات مفهومی هنر اسلامی در مجموعه‌های موزه‌ای"، فصلنامه مطالعات تاریخ فرهنگی، دوره ۸، شماره ۳۰، صص ۳۱-۴۹.
۶. دشتی‌زاده، مریم؛ جوانی، اصغر (۱۳۹۵). "هنر اسلامی در موزه‌های غرب: نقدی بر رویکرد شرق‌شناسی"، همایش بین‌المللی شرق‌شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی
۷. روان‌جو، احد (۱۴۰۲). "پژوهشی تاریخی در بازیابی هویت فرهنگی ایرانی در ابداع و گسترش خط نستعلیق"، فصلنامه باغ نظر، دوره ۲۰، شماره ۱۲۰، صص ۷۱-۸۶.
۸. شرف‌الدین، سیدحسین؛ شفق، غلام‌رضا (۱۴۰۰). "رویکردی تحلیلی به اسطوره‌شناسی رولان بارت"، معرفت فرهنگی و اجتماعی، دوره ۱۲، شماره ۳، صص ۲۶-۷.
۹. شعیری، حمیدرضا (۱۳۹۴). "مقاومت، ممارست و مماشات گفتمانی: قلمروهای گفتمان و کارکرد نشانه - معناشناسی آن"، جامعه‌شناسی ایران، دوره ۱۶، شماره ۱، صص ۱۱۱-۱۲۸.
۱۰. شعیری، حمیدرضا (۱۳۸۸). "از نشانه‌شناسی ساختگرا تا نشانه - معناشناسی گفتمانی"، نقد ادبی، شماره ۸، صص ۳۳-۵۱.
۱۱. ظریف، فرهاد؛ ایزانلو، علی (۱۴۰۳). "خوشنویسی ایرانی به مثابه نشانه‌دیاگرامی - تحلیلی مبتنی بر نشانه‌شناسی شناختی، هنرهای زیبا: هنرهای تجسمی، دوره ۲۹، شماره ۲، صص ۲۵-۳۹.
۱۲. فدایی، مریم؛ موسوی‌لر، اشرف‌السادات (۱۴۰۰). "هویت ایرانی نستعلیق از منظر زیبایی‌شناسی سوره حمد میرعماد با رویکرد نشانه‌شناسی لایه‌ای"، پژوهش در هنر و علوم انسانی، دوره ۶، شماره ۳۶، صص ۱-۱۰.
۱۳. قاسمی، معصومه؛ بنی‌اردلان، اسماعیل؛ صادقی‌شهپر، علی؛ اردلانی، حسین (۱۴۰۱). "نشانه‌شناسی متن و اثر هنری در آرای رولان بارت با رویکرد خوانش متون و آثار کهن"، مطالعات هنر اسلامی، دوره ۱۹، شماره ۴۵، صص ۵۰۵-۵۱۸.
۱۴. معین، مرتضی بابک؛ رضائی، فاطمه (۱۳۹۸). "تحلیل نشانه‌شناسی پوستره‌های فرهنگی به مثابه متن در آغاز دهه ۸۰"، هنرهای زیبا: هنرهای تجسمی، دوره ۲۴، شماره ۲، صص ۸۱-۹۰.
۱۵. ملکی، نرگس‌السادات (۱۳۹۷). "هنر ناب ایرانی به مثابه موزه (نمونه موردی: موزه خوشنویسی)"، چهارمین همایش بین‌المللی معماری، عمران و شهرسازی.
۱۶. نصر، سید حسن (۱۳۹۴). هنر و معنویت اسلامی، ترجمه رحیم قاسمیان، تهران: حکمت.
۱۷. وطن‌خواه، محمود؛ مازیار، امیر (۱۴۰۰). "تصوف و عرفان در مقام ویژگی گفتمانی رساله‌های خوشنویسی سده‌های هشتم تا یازدهم هجری"، هنرهای زیبا: هنرهای تجسمی، دوره ۲۶، شماره ۲، صص ۱۱۵-۱۲۴.



18. Iain, S., & Bloom, J. (2003). *The art and architecture of Islam: 1250–1800*. Yale University Press.
19. Barthes, Roland (1972). *Mythologies*. Trans. Annette Lavers. Hill and Wang
20. Hooper-Greenhill, E. (2000). *Museums and the Interpretation of Visual Culture*. Routledge
21. Preziosi, D. & Farago, C. (2004). *Grasping the World: The Idea of the Museum*.
22. Schimmel, Annemarie. *Islamic Calligraphy*. The Metropolitan Museum of Art Bulletin, Vol. 50, No. 1 (Summer, 1992). New York: The Metropolitan Museum of Art.
23. Shabout, N. (2007). The poetics and politics of display: Middle Eastern art today. *Art Journal*, 66(2), 36–51.
24. Biggs-Chiropoulos, N. (2014, September 26). The art of Arabic script. The Hoya. <https://thehoya.com/guide/the-art-of-arabic-script/>
25. Smithsonian Institution. (2014, September 12). Nasta'liq: The Genius of Persian Calligraphy [Video]. YouTube. <https://www.youtube.com/watch?v=bOJvw1E6ozo>
26. Smithsonian Institution. (2014, September 5). Words take flight in Persian calligraphy at Sackler Gallery. Smithsonian Newsdesk. <https://www.si.edu/newsdesk/releases/words-take-flight-persian-calligraphy-sackler-gallery>
27. Freer|Sackler (Smithsonian's Museums of Asian Art). (2014, September 2). Words take flight: The genius of Persian calligraphy. Asia.si.edu. <https://asia.si.edu/about/press/releases/words-take-flight-in-persian-calligraphy-at-sackler-gallery>
28. Apollo Magazine. (2021, May 26). Epic Iran' at the V&A is an enthralling journey through 5,000 years of culture. Apollo. <https://apollo-magazine.com/epic-iran-victoria-and-albert-museum/>
29. Sooke, A. (2021, May 25). Epic Iran, V&A review: An overly crammed, bewildering rocket ride through 5,000 years. The Telegraph. <https://www.telegraph.co.uk/art/reviews/epic-iran-overly-crammed-bewildering-rocket-ride-5000-years/>
30. Jones, J. (2021, May 26). Epic Iran review – Five thousand years of mystical magnificence. The Guardian. <https://www.theguardian.com/artanddesign/2021/may/26/epic-iran-five-thousand-years-mystical-magnificence-epic-iran-va-review>
31. https://archive.asia.si.edu/exhibitions/online/nastaliq/object.asp?id=S1986.92&utm_source=chatgpt.com
32. <https://www.nyctourism.com/articles/guide-to-the-met-fifth-avenue>



تحلیل نشانه‌شناسی
گفتمان خوشنویسی
ایرانی در موزه‌های
معاصر

33. <https://borna.news/0092JI>
34. <https://asia.si.edu/exhibition/nastaliq-the-genius-of-persian-calligraphy/>
35. <https://www.britishmuseum.org/collection/galleries/islamic-world>
36. <https://www.metmuseum.org/exhibitions/listings/2019/decorated-word>
37. <https://www.louvre.fr/en/departments/islamic-art>
38. <https://www.vam.ac.uk/exhibitions/epic-iran>
39. <https://www.aparat.com/v/Lcmie>



فصلنامه بنیان هنر
شماره هفتم
تابستان ۱۴۰۴